

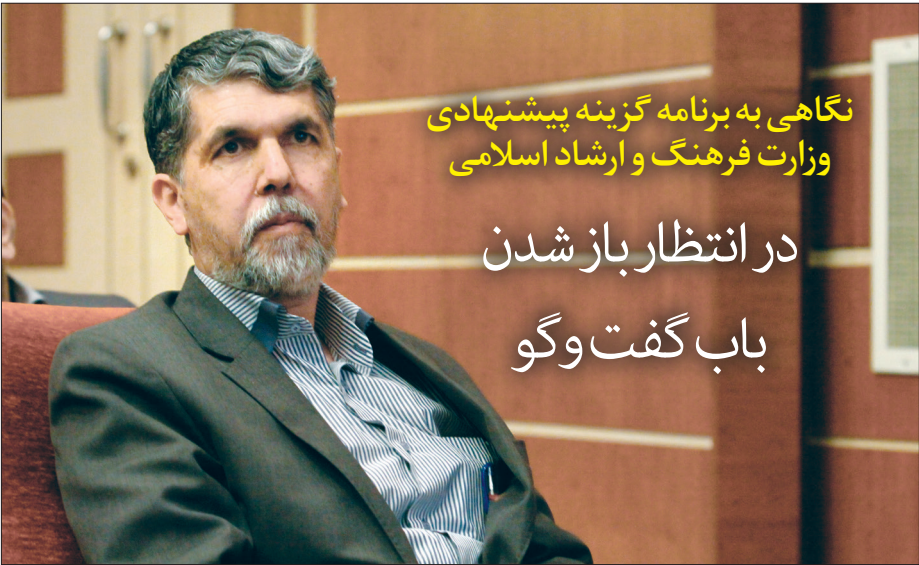


محمد فاکره
دکتری مدیریت دولتی

وجود دستگاه‌های فرهنگی متنوع در کشور، ابهام در تقسیم کار و انتظارات از این دستگاه‌ها موجب شده مقوله‌های فرهنگی کشور چه در بعد تولید و چه از منظر نظارت با چالش متولی مواجه باشند. احساس دغدغه در انجام امور فرهنگی و گستردگی معنا و مفهوم فرهنگ موجب شده طیف متنوعی از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در امور مرتبط با فرهنگ، نقش ایفا کنند؛ از شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای اقماری آن گرفته تا صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت‌های فرهنگی سازمان‌ها و به‌خصوص شهرداری‌ها و حتی ارگان‌های نظامی و امنیتی، ورودی قابل‌تامل در عرصه فرهنگ دارند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، حمایت و نظارت بر حوزه‌های قرآن و عترت، فعالیت‌های فرهنگی و هنری مساجد، کتاب، چاپ و چاپخانه‌ها، کتابخانه‌های عمومی، فیلم و سینما، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، موسیقی، مطبوعات، تبلیغات، وقف، امور خیریه، حج و زیارت، روابط فرهنگی بین الملل، رسانه‌های دیجیتال و بازی‌های رایانه‌ای، توسعه مراکز و فضاهای فرهنگی و هنری و آموزشگاه‌های رسمی و غیررسمی فرهنگی، هنری و رسانه‌ای را برعهده دارد. این وزارتخانه برای اجرای درست وظایف و اهداف خود دارای ۶ معاونت (معاونت‌های قرآن و عترت(ع)، امور فرهنگی، امور مطبوعات و اطلاع‌رسانی، امور هنری، حقوقی، امور مجلس و توسعه و مدیریت منابع، هفت سازمان موسسه (سازمان‌های اوقاف و امور خیریه، حج و زیارت، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، امور سینمایی و سسمعی و بصری و موسسه‌های پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات و علمی- کاربردی فرهنگ و

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تاریخه‌های فرهنگ و هنر



در انتظار باز شدن باب گفت‌وگو

هنر و ۱۷ اداره کل، سه مرکز، ۶ دبیرخانه و ۳۴ اداره کل استانی در ۳۱ استان کشور است. این‌ها همه به‌علاوه جامعه گسترده اهالی هنر، همه عائله این وزارتخانه محسوب می‌شوند که یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌ها به شمار می‌رود.

برای اداره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دوازدهم، سیدعباس صالحی از سوی رئیس‌جمهور معرفی شده است. فردی دانشگاهی و حوزه‌دیده که طول دوره دولت یازدهم را به‌عنوان معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت کرده و در سابقه خود مسئولیت‌های فرهنگی و علمی بسیاری را دارد. تخصص در علم فلسفه، شاگردی علمای بزرگ در قم و مشهد، معاشرت با طیف متنوعی از سیاسیون و اهالی فرهنگ از وی چهره قابل‌قبولی برای تصدی مسئولیت



شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۶ ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۳۸ ۱۵ آگوست ۲۰۱۷ شماره ۲۲۹۲

صالحی به‌عنوان وزیر ارشاد رضایت‌نادارند به همین دلیل برآنند تا در گزارش‌های خود تصویری «بیگانه با هنر» از وی ارائه کنند. این رسانه‌ها با اطلاق هنرمند به قشری خاص سعی می‌کنند تفکرات صالحی را در برابر عموم هنرمندان تعریف کنند.

برنامه ۱۶ صفحه‌ای ارائه‌شده از سوی سیدعباس صالحی برای اداره این وزارتخانه از جهات مختلفی قابل بررسی است. این برنامه در نگاهی کلی، جامع و قابل دفاع به نظر می‌رسد اما مناظری قابل بحث نیز در آن وجود دارد. از نکات مثبت این برنامه می‌توان به همخوانی برنامه با اسناد بالادستی و سند چشم‌انداز اشاره کرد. نکته مثبت دیگر آن در توصیف واقع‌گرایانه شرایط فعلی فرهنگ و هنر ایران از منظر مخاطبان و مدیریت فرهنگی است. تمرکز بر آداب فرهنگ سنتی ایران و احترام به تنوع اقوام و قومیت‌ها در این برنامه به وضوح تشریح شده است. اما با عینک نقد نیز می‌توان مواردی سوال‌برانگیز را در این برنامه مشاهده کرد. نارضایتی اهالی فرهنگ و هنر از اهالی سینما و تئاتر گرفته تا هنرمندان موسیقی از عملکرد این وزارتخانه صالحی خلاف آن ذکر شده است. در این برنامه داده آماری ذکر شده است که جالب‌توجه است. به‌عنوان مثال با توجه به افزایش قابل توجه بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد در این دوره چهار ساله که در مقایسه با سال اول دولت دقیقاً دو برابر شده است تعداد صندلی‌های سینما از حدود ۱۴۰ هزار صندلی در شروع این دولت به ۱۳۰ هزار صندلی رسیده یا تعداد فیلم‌های سینمایی ساخته‌شده از حدود ۸۰ فیلم به ۶۲ فیلم کاهش داشته است. اما با این حال در عرصه‌ای چون موسیقی و برگزاری کنسرت‌ها رشد پنج برابری اتفاق افتاده که هنوز برای مخاطبان این هنر رضایتی را ایجاد نکرده و همچنان جزء مطالبات اصلی حامیان دولت است. تمرکز بیش از حد بر برون‌سپاری در عرصه فرهنگ و

کارنامه همه وزرای ارشاد

محمد کرمانی

روزنامه نگار

ناصر میناچی (بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸)

مرحوم ناصر میناچی یار غار علی‌شریعتی بود و از بنیان‌حسینیه ارشاد انقلاب که شد مهدی بازرگان او را برای تصدی نهاد فرهنگ که نامش وزارت اطلاعات و جهانگردی بود، لایق‌تر دید. میناچی هم چون به حسینیه ارشاد تعلق خاطر فراوانی داشت نام وزارتخانه‌اش را در هفتم خرداد ۵۸ وزارت ارشاد ملی گذاشت. میناچی در این دوره مسئولیت سینماها را ابتدا به انجمن سینماداران محول کرد و بعد اداره کل ترویج و نمایش را راه انداخت. امور مربوط به تولیدات ادبی و هنری برعهده وزارت آموزش عالی گذاشته شده بود و هنوز وزارتخانه او دخل و تصرفی در این امور نداشت بعد از اشغال سفارت آمریکا نیز تا مدتی عهده‌دار وزارت ارشاد بود. در این مدت او امور حج و زیارت را از سازمان اوقاف وایسته به نخست‌وزیری جدا کرد و به وزارتخانه‌اش سپرد. میناچی بعد از متهم شدن به داشتن رابطه با آمریکایی‌ها، در ۱۷ بهمن ۵۸ بازداشت شد.

عباس دوزدوزانی (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰)

اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و نماینده مردم تبریز در اولین دوره مجلس شورای اسلامی. او در اولین کالم در دوره‌ای که شورای انقلاب عهده‌دار تصدی گنجبره شد، سال ۵۹ وزارت ارشاد را تعطیل کرد تا کارکنانش مورد بازبینی قرار گرفته و افراد مساله‌دار تعقیبه شوند. بعد از نخست‌وزیری محمدعلی رجایی در دولت ابوالحسن بنی‌مدر، رجایی را و به‌عنوان گزینه تصدی وزارت ارشاد ملی به مجلس معرفی کرد. دوزدوزانی هم پس از کسب رای اعتماد اول نام وزارتخانه را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر داد. در این دوره اداره کل فعالیت‌های هنری، اداره تالیف و ترجمه، تئاتر شهر، ارکستر سمفونیک تهران، اداره کل نظارت و نمایش فیلم، اداره کل تحقیقات و روابط سینمایی و... از وزارت فرهنگ و آموزش عالی منفک و در وزارت ارشاد ادغام شد. شهرویر همان سال هم عباس دوزدوزانی برای امور سینماها معاونت سینمایی را در این وزارتخانه تشکیل داد تا امور سینماها سرسامانی بگیرد. او امور حج و زیارت را مجدداً به سازمان اوقاف واگذار کرد تا وزارت ارشاد تمرکز بیشتری بر مقولات فرهنگی داشته باشد.

عبدالحمید معادینخواه (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱)

نام معادینخواه کرچه در فهرست زندانیان و تبعیدی‌های عصر پهلوی به چشم می‌خورد؛ اما آنچه نام او را بر سر زبان‌ها انداخته ریاست جلساتی از دادگاه‌های انقلاب بوده است که برای محاکمه محمدتقی شهرام تشکیل می‌شد. دادگاهی که با معادینخواه به فرجامی نرسید و او به دلیل پیروزی در انتخابات مجلس از قوه قضائیه استعفا داد. با پیروزی محمدعلی رجایی در انتخابات مرداد ۶۰ او توسط محمدجواد باهنر برای تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شد. بعد از شهادت رجایی نیز در دومین دولت موقت جمهوری اسلامی به ریاست آیتا... مهدی‌کی‌ی و در کابینه بنی‌ماد. پس از رئیس‌جمهور شدن آیتا... خامنه‌ای او باز از گزینه‌های منتخب وزارت ارشاد بود که در مجلس هم رای اعتماد آورد. در دوره او سینمای دفاع مقدس پیاپی‌گذار شد و او از همه آثار حتی برخی‌های بحث‌برانگیز ایرج قادری یا بازی محمدعلی فردین تمام‌قد دفاع کرد.

سیدمحمد خاتمی (۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱)

در سال ۱۳۶۱، معادینخواه برکنار و سیدمحمد خاتمی، نماینده ولی‌فقیه در موسسه کیهان به‌عنوان وزیر ارشاد به مجلس معرفی شد. او در نخستین اقدام دستور تعطیلی همه ویدئوکوپ‌ها را صادرکرد و از این‌تر خیرید و فروش و حمل دستگاه پخش ویدئو و نوارهای کاست و ویدئو صرح تلقی شد. خاتمی در سال ۱۳۶۶ برای تبدال کتاب و آشنایی مردم با ناشران پیشنهاد برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب را داد نمایشگاهی که از ۱۴ تا ۲۲ آبان در محل برگزاری نمایشگاه آسیایی در بزرگراه چمران برگزار شد. بعد از پیروزی هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات مرداد ۱۳۶۸ خاتمی مجدداً به‌عنوان وزیر ارشاد انتخاب شد. تشدید فعالیت جریان تجدیدنظرطلب فرهنگی از آثار مدیریت خاتمی بر وزارت ارشاد بود به‌طوری‌که حتی یکی از نشریاتی که در وزارت ارشاد آن دوره منتشر می‌شد، نشریه گردون بود. «عباس معروفی» مدیر یک مدیر میانی در وزارت ارشاد خاتمی بود و ارتباط تنگاتنگی با کیهان داشت، مدیر مسئول این ماهنامه بود. درباره فعالیت‌های گردون همین بی‌ی که در شماره ۴۶۲۷ خود از سانسور تصاویر مستهجن زنان در ایران انتقاد کرده بود. این نشریه در آخرین شماره اش حساب و زن مجله ایرانی را به سختی هتک کرده که سبب توقیف آن و بازداشت معروفی شد. همچنین یکی دیگر از حاشیه‌های این دوره در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۶۹ رقم خورد و فیلم‌هایی با مضامین و صحنه‌های مبتذل اکران شد تا جایی‌که به یک هنریشه زن‌ترک که در کشور لایک خود به فساد و فحشا معروف بود، جایزه سیم‌ر بلورین اعطا شد. نحوه عملکرد خاتمی در وزارت ارشاد موجب بروز انتقادهای فراوانی شد تا جایی‌که وی خرداد ۷۱ با انتشار یک نامه با «کج اندیش» و «بدخواه» خواندن منتقدان خود، با کابینه هاشمی رفسنجانی خدا حافظی کرد.

علی اردشیر لاریجانی (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲)

کارنامه علی لاریجانی در ریاست واحد مرکزی خبر سازمان صداوسیما، معاون وزیر کار و امور اجتماعی، معاون وزیر پست و تلگراف، معاون وزیر سپاه و جانشین ستادکل سپاه از سال ۶۰ تا ۷۰ موجب شد هاشمی‌رفسنجانی او را جایگزین سیدمحمد خاتمی کند، او پس از تصدی پست وزارت ارشاد، دستور لغو ممنوعیت فعالیت ویدئوکوپ‌ها را صادر کرد و با آزادی ویدئو مجدداً بازار ویدئوفروشی رونق گرفت. همزمان این اتفاق منجر به تأسیس موسسه رسانه‌های تصویری برای انتشار فیلم‌های سینمایی ایران و جهان شد که خود راهی برای نجات این سینما بود. او در این دوره نمایشگاه و جشنواره مطبوعات را تشکیل داد که از اردیبهشت ۱۳۷۲ در کنار نمایشگاه بین‌المللی کتاب در بزرگراه شهید چمران برگزار شد. سینما در این دوره از احضار کیهیت و کمیت نسبت به دوره قبل از خودش رونق گرفت و منجر به تولید آثار فاضری شد. لاریجانی در سال ۱۳۷۳ به حکم رهبر انقلاب، رئیس سازمان صداوسیما شد.



علی جنتی (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵)

اولین مسئولیت نظراس‌اش عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما بود. بعد رئیس صداوسیماي خوزستان شد و سپس استانداری خوزستان و بعد خراسان را برعهده گرفت. انتخاب وی برای پست وزارت ارشاد توسط حسن روحانی هم محل تامل بود؛ چراکه سوابقی مانند سفیر ایران در کویت و معاون سیاسی وزارت کشور را در کارنامه خود داشت. او پس از ورود به وزارت ارشاد ابتدا نهاد منحله خانه سینما را در روز ملی سینما در شهریور ۱۳۹۲ بازگشایی کرد. دو ماه بعد در اقدامی عجیب مانع برگزاری نمایشگاه مطبوعات شد و بیار دومین بار در تاریخ برگزاری این نمایشگاه، مطبوعات نمایشگاه سالانه نداشت. مواضع عجیب جنتی در خصوص برخی مسائل فرهنگی، اظهارات ضد و نقیض و عملکردش کار را به جایی رساند که مجلس تصمیم به استیضاح او گرفت؛ هرچند نمایندگان رای به برکناری او ندادند.



سیدرضا صالحی‌امیری (۱۳۹۵ تاکنون)

صالحی‌امیری از بحث‌برانگیزترین انتخاب‌ها برای تصدی پست وزارت ارشاد بود؛ اقدامی که توسط حسن روحانی صورت گرفت. کرچه وی به مدت ۷۰ روز سرپرست وزارت نوپای ورزش و جوانان بود اما فعالیتش در سمت‌های رئیس کمیته اجتماعی شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و... محل انتقاد اهالی فرهنگ بود تا جایی‌که برخی هنرمندان مخالفت خود را با حضور «شخصی امنیتی» برای وزارت ارشاد اعلام کردند. ۱۱ آبان ۹۵ بعد از استعفا علی جنتی، وزیر ارشاد رضا صالحی‌امیری با ۱۸۰ رای موافق به سمت وزارت ارشاد رسید.

مصطفی میرسلیم (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶)

ایکده هاشمی‌رفسنجانی کسی را با سوابق معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور، سرپرستی شهریان کل کشور، سرپرستی بنیاد امور جنگ‌زدگان، عضو نهاد اقتصادی جمعیت مؤتلفه اسلامی و مهندس احتراق موتور که در سوابق و اظهاراتش هیچ نسبتی با هنر نداشت، چگونه به سمت وزارت ارشاد منصوب کرد هنوز محل تامل است. در دوره او نظارت افزایش یافت و معاون بین‌الملل وزارت ارشاد منحل و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تشکیل شد. مصطفی میرسلیم یک روز پس از پایان دوره وزارتش گفته بود که «دیگر ناچار به تماشای هیچ فیلمی نیستم»

عطاءالله مهاجرانی (۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)

نماینده مردم فیراز در دوره اول پارلمان بود. بعد هم در دهه ۶۰ و ۷۰ معاون پارلمانی نخست‌وزیر بود و بعد عضو شورای سیاستگذاری سازمان صداوسیما بود که در سال ۱۳۷۲ همرزمان با پایان دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی طی مصاحبه‌ای با روزنامه انگلیسی‌زبان ایران نیوز، از ایده تغییر قانون اساسی برای ادامه حضور هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری سخن به میان آورد که بعدها این ایده تحت عنوان مادام‌العمرسازی ریاست جمهوری هاشمی مشهور شد.

در تابستان ۷۶ بعد از اینکه خاتمی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد، عطاءالله مهاجرانی را برای کسب رای اعتماد به مجلس پیشنهاد کرد که او توانست از نمایندگان مجلس پنجم تاییدیه نخستن بر پست ریاست ساختمان بهارستان را بگیرد. در این دوره تولید آثار بی‌ندوبار سینمایی و نمایشی، انتشار کتاب‌های موهن و مطبوعات زنجیره‌ای کثرت قابل‌توجهی یافت تا جایی‌که در زیر مجموعه‌های این وزارتخانه برخی رویه ایجاد شبهه نسبت به مقدسات و نیز هنجارشکنی در فرهنگ و هنر را در دستور کار قرار دادند. این وضعیت موجب شد در سال ۱۳۷۸ مهاجرانی با طرح استیضاح مجدداً مقابل نمایندگان مجلس پنجم قرار بگیرد اما به‌دلیل برخی ملاحظات سیاسی توانست از استیضاح نجات پیدا کند. مهاجرانی اما یک سال بعد از وزارت ارشاد استعفا کرد. در سال ۱۳۸۳ خانی که کارنام سابق مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها بود، عنوان کرد که همسر صیغای مهاجرانی است و از او شکایت کرد و خواهان ثبت ازدواج شد که این حاشیه‌ها منجر به خروج وی از کشور شد.

احمد مسجدجامعی (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲)

پسر آیتا... مصطفی مسجدجامعی که در دهه ۶۰ نقش بارزی در برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب و نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم داشت به سمت وزارت ارشاد برگزیده شد. در دوره مسجدجامعی سینمای ایران به ثبات رسید و عرصه نمایش و تئاتر هم دارای چارچوب مشخصی شد. مقوله فرهنگ عمومی تعریف بازترتری نسبت به مقوله تولیدات فرهنگی پیدا کرد. در دوره او نهادهایی چون خانه کتاب، موزه سینمای ایران، موزه قرآن و... تأسیس شدند.

محمدحسین صفارهرندی (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸)

«کیهان» برای دومین بار کانون انتضاب وزیر ارشاد بود. این بار محمدحسین صفارهرندی در ۲۲ مرداد ۸۶ به عنوان وزیر به مجلس معرفی شد. او پیشتر عضو شورای تعیین خط‌مشی خبرگزاری «ایرنا» نیز بود. صفارهرندی در دوره خود تحولات فرهنگی را رقم زد تا ارزش‌های اسلامی نمود بیشتری در عرصه‌های مختلف هنر و فرهنگ داشته باشد. اگر چه صفارهرندی در چهارم مرداد ۱۳۸۸ به عازری از آخرین روزهای کاری دولت نهم خبر استعفا خود را اعلام کرد اما به دلیلی که در متن استعفاش آمد تا یازدهم شهریور که به‌طور رسمی آیین تودیع وی برگزار شد، سکان این وزارتخانه فرهنگی را در دست داشت.

سیدمحمد حسینی (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲)

رایزن فرهنگی ایران در کتبه، رئیس حوزه ریاست سازمان صداوسیما در دوره لاریجانی و رئیس دانشگاه پیام نور گزینه احمدی‌نژاد برای تصدی وزارت ارشاد برای دولت دهم بود. حسینی در ۱۴ دی ۱۳۹۰ در جلسه هیات دولت خانه سینما را به دلیل نطفاتی که طی سال‌ها در آن انجام شده بود و چون تشریفات قانونی مربوط به تأسیس موسسات فرهنگی و هنری را طی نکرده بود، منحل کرد. یکی دیگر از اقدامات مهم و ماندگاری که در دوره سیدمحمد حسینی کلید خورد، موضوع معافیت مالیاتی ناشران و کتابفروشان بود.

خصوصی‌سازی امور فرهنگی بدون توجه لازم به تفکیک عرصه تولید و نظارت در این مهم، از نکات چالشی این برنامه بوده که در صورت عدم توجه می‌تواند آسیب‌های جدی را برای آینده فرهنگ ایران در پی داشته باشد. ورود تجار، بانک‌ها و اشخاصی که با نیت سودجویی صرف در چندسال اخیر وارد عرصه فرهنگ شده‌اند، به هشداری جدی برای علاقه‌مندان عرصه فرهنگ فارغ از خط‌کشی‌های سیاسی تبدیل شده است.

تا چند ماه مانده به انتخابات بالاترین نرخ نارضایتی هنرمندان از جناح‌های مختلف سیاسی نسبت به دولت یازدهم وجود داشت، چه افرادی که در انتخابات یازدهم به این دولت رای نداده و طبیعتاً منش سیاسی- فرهنگی این دولت را نمی‌پسندیدند و چه هنرمندانی که به امید تغییر و گشایش‌های فرهنگی به دولت یازدهم رای داده بودند، در هر دو گروه موجی از اعتراضات نسبت به مقوله‌ها و مدیریت فرهنگی دولت تشدید شده بود. با این حال رای گسترده اهالی فرهنگ به دولت فعلی در عین سرخوردگی شدید از عدم تحقق وعده‌های دولت در چهار سال گذشته، انتظارات فراوانی را در میان هنردوستان ایجاد کرده است.

فرهنگ در دولت یازدهم به سیاسی‌ترین شکل ممکن در خدمت دولتمردان بود تا بتوانند با ایجاد دوقطبی‌های ساختگی و اصلی کردن مسائل فرعی، افکار عمومی را از چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به سمت «بیزاهای کاذب فرهنگی» معطوف کنند. می‌توان گفت حضور مدیران امنیتی در این عرصه موجب شد «فرهنگ امنیتی» پررنگ‌تر از «امنیت فرهنگی» نقش ایفا کند. به قدرت می‌توان گفت که بزرگ‌ترین چالش وزارت فرهنگ در دوره آتی، ورودن مناظر امنیتی از عرصه فرهنگ کشور بوده به‌گونه‌ای که جریانات مختلف سیاسی و فرهنگی بتوانند در چارچوب قوانین در شرایطی عادلانه به فعالیت‌های خود بپردازند تا پایانی باشد بر نگاه ابزاری به فرهنگ.